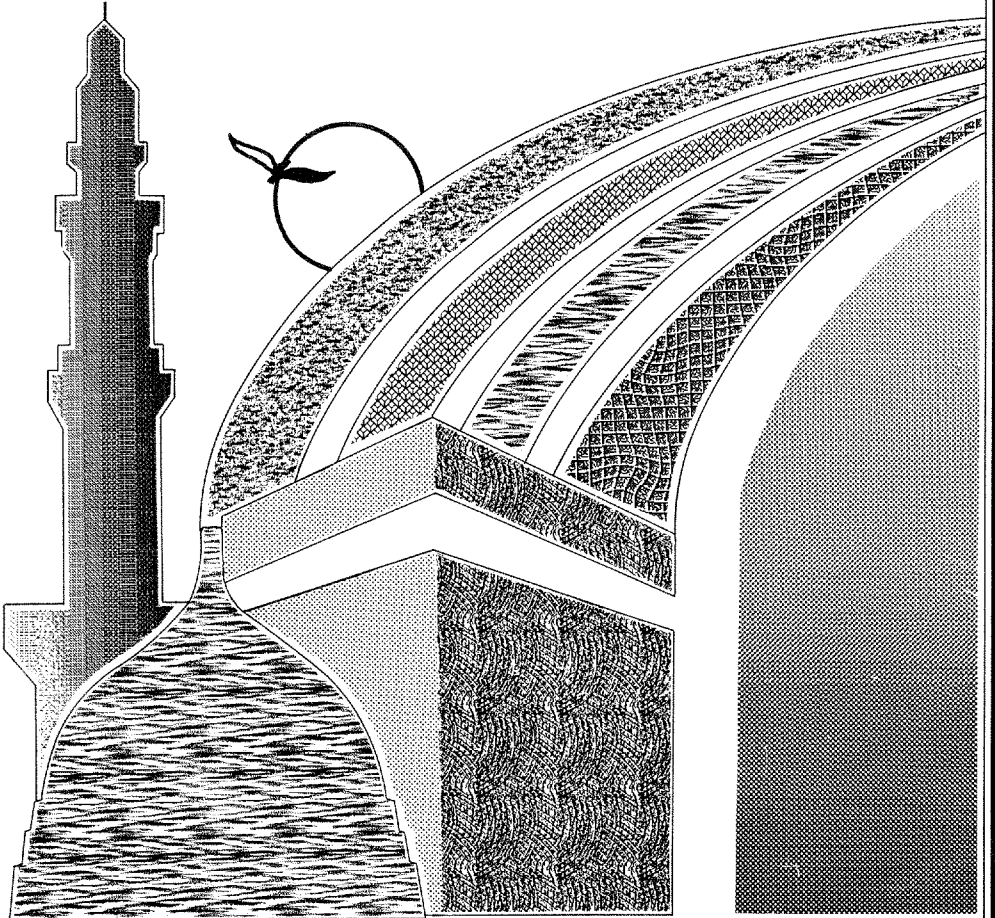


تاریخ و جہاں



جامه کعبه معظمه

در طول تاریخ (۳)



محمد الدقن / هادی انصاری

فرستاد «ملک مظفر یوسف» پادشاه یمن بود که به سال ۶۵۹ هجری جامه‌ای برای کعبه اختصاص داد. او چندین سال به همراه پادشاهان مصر کعبه را جامه می‌پوشاند. ملک مظفر یوسف در برخی از سال‌ها به علت افزایش قدرت و نفوذش، به تنهایی این کار را به انجام رسانید. پس از افول دولت عباسیان، نخستین پادشاه مصری که بر کعبه جامه پوشانید، «سلطان ظاهر بیبرس بندقاری» بود که این عمل را در سال ۶۶۱ هجری انجام داد. سلطان ظاهر بیبرس بجای عبور از صحرای عیذاب، کاروان را از راه سرزمین سینا حرکت داد. هنگامی که نامبرده در سال ۶۶۷ هجری حج گزارد به دست خویش کعبه را با گلاب

بخش سوم جامه کعبه معظمه در دوران ممالیک

ویژگی مصر نسبت به ساختن جامه شریفه

عباسیان همچنان نسبت به جامه پوشاندن به کعبه عنایت خاصی را از خود نشان می‌دادند. تا اینکه دولت آنان رو به ضعف و سستی گذاشت، از این پس جامه را نسبت به ضعف و قدرت سیاسی، گاه پادشاهان مصر و گاهی پادشاهان یمن آماده می‌کردند و می‌فرستادند.

پس از سقوط دولت بنی عباس، نخستین پادشاهی که جامه برای کعبه



مستمری‌های سالانهٔ او نیز اشیای دیگری که همواره در هر سال همراه جامهٔ کعبه ارسال می‌گردید، یاد نموده است. ابن بطوطه در این باره چنین می‌نویسد:

«روز عید قربان، جامهٔ کعبه را کاروانی از مصریان به بیت معظم آورده و آن را بر بام کعبه قرار دادند. قبیلهٔ «بنی شیبه» در روز سوم پس از عید، طی مراسم ویژه‌ای آن را بر کعبه قرار دادند. جامهٔ کعبه، پوششی است از ابریشم سیاه که دارای آستری از کتان بوده و در حاشیهٔ بالای آن آیهٔ «جَعَلَ اللهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَاماً...»^۴ به خط سپید نوشته شده است. در حاشیهٔ پیرامون آن نیز آیاتی از قرآن نقش بسته است. رنگ جامهٔ یاد شده، سیاه و درخشان می‌باشد.

پس از آنکه مراسم پوشانیدن آن به پایان رسید، دامن آن را از اطراف بالا زدند تا دست مردم و حاجیان بدان نرسد. «ملک ناصر» سلطان مصر، عهده دار پوشش کعبه بوده همچنانکه حقوق قاضی و خطیب و پیشنمازان و مؤذنان و فراشان و خدمتکاران و دیگر مایحتاج حرم، از قبیل شمع و روغن چراغ را همه ساله سلطان مزبور می‌پردازد.»

همچنین قاضی «ابن فضل الله

شست و شو داد و در آن هنگام ناظران دیدند که او در کنار در کعبه با لباس احرام ایستاده و دست ناتوانان و بیماران از رعیت را می‌گرفت و در بالارفتن، آنان را یاری می‌کرد. در آن موسم «اسماعیل واسطی» خطبهٔ خویش را در حضور سلطان ایراد کرد و چنین گفت:

«ای سلطان، در روز قیامت تو را بنام سلطان خطاب نمی‌کنند بلکه در آنجا شما را بنام خود صدا می‌زنند و در آن هنگام است هر کسی را از نفس خویش می‌پرسند لیکن از شما حال رعایا و زیردستان را سراغ می‌گیرند. پس ای سلطان، بزرگان آنان را پدر، متوسط‌ها را برادر و کوچک‌های از رعایا را در نزد خود فرزند بیندار.»

پند و اندرز، سلطان را دگرگون ساخت و در این حال او عطایش را فزونی بخشید.^۲ ابن بطوطه^۳ در سفرنامه خویش از جامه‌ای که به وسیلهٔ سلطان «ناصر محمدبن قلاوون» در سال ۷۲۶ هجری از مصر به کعبه معظمه ارسال گردیده بود، شرح مفصلی داده و از تاریخ قرارداده شدن آن به کعبه و آذین‌هایش و نیز نورپردازی بر روی نوشته‌های موجود بر حاشیهٔ پرده، سخن به میان آورده است. همچنین، از

برخی از قسمت‌های یاد شده به عنوان تبرک به سایر کشورهای اسلامی حمل می‌گردد... در این دوران جامه‌ای نیز از سوی پادشاه یمن ارسال گردید که در زیر جامهٔ مصریان بر روی کعبه قرار داده شد. این دو جامه از ابریشم سیاه بوده که بر روی آن بوسیلهٔ نوشته‌هایی به رنگ سپید از آیات قرآنی که در آن نام کعبه قرار دارد، آذین گردیده است.»

در ادامه می‌گوید:

«هنگامی که در سال ۷۲۸ هجری حج گزاردم، خود به همراه فرماندهان کاروان محمل مصری جهت قرار دادن جامهٔ کعبه شریف بر آن بالا رفتم بطوری که بر بام کعبه قرار گرفتیم. در آن هنگام بود که دیدم زمین کف بام کعبه پوشیده از مرمر و سنگ‌های سپید است. پیرامون بام کعبه دیوار کوتاهی قرار داشت که بر آن حلقه‌هایی جهت ثابت کردن جامهٔ کعبه تعبیه شده بود. این حلقه‌ها بدان منظور است که طناب‌های جامه در آن حلقه‌ها قرار گرفته و جامه را بر روی کعبه ثابت و استوار می‌سازد.

حمد و سپاس خدای را بجا می‌آورم که با دستان خود جامهٔ پیشین را از روی آن برداشته و جامهٔ نوین را بر روی کعبه قرار داد.»^۵

عمری» (متوفای سال ۷۴۹ هجری) از ورود جامه کعبه به مکه معظمه - در دوران حکومت ممالیک - از مصر و یمن سخن به میان آورده و در آن از تقسیم جامهٔ پیشین کعبه در میان اشراف مکه و بنی‌شیبیه و تصرف آن برای فروش آن نیز اشاره کرده است. نامبرده همچنین از کیفیت قرار گرفتن جامه بر روی کعبه در دوران خود یاد نموده که این مطلب با چگونگی قرار داده شدن جامه کعبه بر روی آن در حال حاضر چندان تفاوتی ندارد و اختلاف آن تنها در بکار بردن وسائل و دستگاههای نوین کنونی است.

«ابن فضل الله عمری» در این باره

چنین می‌گوید:

«کعبه هم اکنون در سال یک بار به هنگام موسم حج بوسیلهٔ جامه پوشیده می‌شود. این جامه از خزانهٔ سلطانیه در مصر به همراه کاروان محمل به فرماندهی بزرگان محمل، از آن دیار حرکت کرده - و بدین سوی آورده می‌شود - سپس با حضور بزرگان یاد شده از کاروان محمل، جامهٔ یاد شده بر روی کعبه قرار داده شده و جامهٔ پیشین آن در اختیار اشراف و بنی‌شیبیه قرار می‌گیرد و نامبردگان آن را به قطعه‌های متفاوتی تقسیم می‌کنند و گاه



ممالیک - از آغاز وقفی که از سوی ملک «صالح اسماعیل» قرار داده شد - ادامه داشت. آخرین جامه کعبه، به همراه صدقاتی برای مردمان مکه و مدینه، از سوی «اشرف طومان بای» به همراه صدقاتی برای مردمان مکه و مدینه به وسیله خواجهگان قدرتمند خویش، در شوال سال ۹۲۲ هجری بدین سوی ارسال گردید، زیرا در آن هنگام سلطان «قانصوه غوری» در «مرج دابق» در ۲۵ رجب ۹۲۲ ه. به قتل رسید و هیچیک از مصریان، به علت بروز آتش جنگ میان «قانصوه غوری» و سلطان «سلیم اول عثمانی»^{۱۰} در آن سال نتوانستند حج بجای آورند.

اوضاع سیاسی دوران و تأثیر آن بر جامه کعبه معظمه:

اوضاع سیاسی کشورهای اسلامی همواره تأثیر ویژه‌ای بر ارسال جامه کعبه معظمه داشته است. همچنانکه این وضع تغییری نسبت به خطبه و دعا برای خلیفه یا سلطان در مسجد الحرام نیز داشت. در آن هنگام پیوسته جامه از سوی سلاطین و پادشاهانی که دارای نفوذ و قدرت بیشتری بودند تهیه می‌گشت و بر کعبه آویخته می‌شد. همچنانکه در پیش آوردیم، از

اما در دوران ملک «صالح اسماعیل» فرزند ملک «ناصر محمدبن قلاوون» (۷۴۳ - ۷۴۶ ه. ق.) جامه کعبه مشرفه از بودجه وقفی که پادشاه نامبرده بدین منظور قرار داده بود، سالی یکبار برای مکه و جامه‌ای را نیز ویژه حجره نویی شریف و منبر نبوی در هر پنج سال یکبار قرار داد. این وقف عبارت از دهکده‌ای در اطراف استان قلیوبیه به سوی قاهره با نام «بیسوس»^۶ بوده که این دهکده از بیت‌المال به فرمان ملک «صالح اسماعیل» خریداری گردید و به عنوان وقف برای منظور یاد شده قرار داده شد.^۷

گفتنی است که «قطب الدین حنفی» از این وقف یاد کرده و آن را یک دهکده ندانسته بلکه دو دهکده بنام بیسوس و سندیس^۸ دانسته است.

نویسنده «مرآة الحرمین»، دهکده سومی به نام «ابوالغیط» را نیز به دو دهکده پیشین اضافه کرده است.^۹ در وقف نامه سلطان سلیمان (عثمانی) که بدین منظور قرار داده شده، نام سه دهکده پیشین به همراه هفت دهکده دیگر نیز آمده است که در این باره در آینده سخن خواهیم گفت.

ارسال جامه به کعبه مشرفه همچنان در میان سلاطین مصری در دوران

گردیده و مجدداً او را به زنجیر در آورد و در اختیار امیر «قشتمر» قرار داد و او بار دیگر به همراه اسیر خود به قاهره بازگشت. وقتی سلطان از جریان آگاهی یافت، بر ملک مجاهد غضب کرد و نامبرده را به زنجیر بست و فرمان داد در مرز اسکندریه زندانی‌اش کنند.^{۱۱}

در سال ۸۴۸ هجری شاهرخ میرزا، حاکم شیراز از پادشاه مصر «ظاهر چقمق» درخواست نمود که جامه کعبه را در آن سال خود بر عهده گیرد. بدین منظور جامه را در آغاز به مصر فرستاد و سپس آن را به همراه حاجیان مصری به مکه ارسال کرد تا کعبه را بدان پوشش دهند. ظاهر چقمق درخواست نامبرده را پذیرفت و بدین ترتیب شاهرخ میرزا جامه کعبه را به همراه صدقاتی به مصر گسیل داشت و از آن پس به همراه کاروان محمل مصری به مکه حرکت نمود. آنان در روز عید قربان درون کعبه را با همان جامه پوشش دادند؛ زیرا سلطان «ظاهر چقمق» اجازه نداد جامه ارسال شده از سوی «شاهرخ میرزا» بر روی کعبه قرار داده شود. سپس صدقات فرستاده شده در میان ساکنین حرم تقسیم گردید. در رمضان سال ۸۵۶ هجری به فرمان سلطان جامه درونی کعبه، که به

هنگامی که وقفی بدین منظور از سوی ملک «صالح اسماعیل» قرار داده شد، ارسال جامه کعبه مشرفه همواره در اختیار مصر و سلطان آن قرار داشت. و از این هنگام مصر عهده‌دار ارسال آن به سوی بیت‌الله الحرام بود.

ملک مجاهد پادشاه یمن در سال ۷۵۱ هجری تصمیم گرفت که جامه مصری را که بر روی کعبه قرار داشت بردارد و جامه دیگری را که نام او بر آن بود، بر خانه بیوشاند.

وقتی امیر مکه تصمیم یاد شده را به آگاهی امیرالحاج محمل مصری «امیر طاز» رسانید، به هنگام وقوف در عرفات، فتنه‌ای میان ملک «مجاهد» و «امیر طاز» رخ داد و جنگ میان آن دو آغاز گردید که در پایان امیر طاز به پیروزی رسید و ملک «مجاهد» را دستگیر کرده، به زنجیر بست و به همراه خود به قاهره برد. هنگامی که «ملک مجاهد» را به حضور سلطان «ناصر حسن» بردند وی دستور داد او را از زنجیر آزاد کردند و با احترام و تکریم فراوان به همراه امیر «قشتمر منصوری» او را به کشور خویش روانه ساختند. به ینبع که رسیدند، ملک «مجاهد» قصد کشتن امیر همراه خود را کرد اما امیر ینبع از تصمیم وی آگاه



بود - جامه‌ای را برای کعبه به همراه امیر محمل عراقی بنام رستم ارسال نمود. قاضی احمدبن دحیه نیز همراه کاروان بود. در آغاز به سوی مدینه منوره حرکت کردند و در آنجا بر قضات سخت گرفته، دستور دادند که خطبه را بنام پادشاه عادل، «اوزون حسن» خادم‌الحرمین الشریفین بخوانند. پس آنگاه که قصد مکه کردند، شریف «محمد بن برکات» که در آن هنگام از جریان مدینه بوسیله نامه‌ای آگاه گردیده بود، با آنان برخورد کرده و رستم و قاضی یاد شده و برخی بزرگان و اعیان همراه کاروان را دستگیر ساخت و همه را به زنجیر کشید. نامبرده قصد داشت که آنان را به سوی سلطان «قایتبای» گسیل نماید. هنگامی که کاروان محمل مصری از راه رسید، شریف آنان را به امیر محمل تسلیم نمود. پس از موسم حج، کاروان مصری در محرم سال ۸۷۸ هجری به همراه فرزند امیر مکه و قاضی «برهان‌الدین بن ظهیره» شافعی، قاضی مکه و فرزندش ابوالسعود و برادرش، آماده حرکت گردیدند. به دستور امیر کاروان فرستادگان اوزون حسن، شامل رستم، امیر الحاج عراقی و قاضی همراه او را در معیت خود به مصر برد. در مصر سلطان «قایتبای» دستور داد

وسيله «شاهرخ میرزا» فرستاده شده بود، برداشته شد و کعبه را بدان پوشش دادند.^{۱۲} لازم به گفتن است که پیشتر سلطان «اشرف برسبای» تقاضای «شاهرخ میرزا» را نسبت به جامه کردن کعبه از درون یا برون، در سال ۸۳۸ هجری رد کرده بود. در آن هنگام، شاهرخ میرزا بار دیگر تقاضای خویش را بدین صورت تجدید نمود که: به علّت نذری که کرده است، تقاضا دارد جامه را در آغاز به مصر ارسال کرده و آنان آن را از سوی خود به مکه مکرمه ببرند و کعبه را حتی برای یکروز به وسیله آن پوشش دهند.

«اشرف برسبای» مطلب یاد شده را با علمای دوران خویش در میان گذارد. برخی از پاسخ دادن خودداری کردند و برخی دیگر از بیم به وجود آمدن فتنه، نظر دادند که تقاضای شاهرخ میرزا عملی نشود. این مطلب همچنان عملی نگردید تا اینکه اشرف برسبای درگذشت. پس از فوت وی، در دوران سلطنت «ظاهر چقمق» همچنان که یادآور شدیم، خواسته «شاهرخ میرزا» سلطان شیراز به تحقق پیوست.

در سال ۸۷۷ هجری اوزون حسن، امیر دولت ترکمانیان - که در حال جنگ با سلطان اشرف قایتبای، پادشاه مصر

برونی کعبه در دوران تبع حمیری که در عصر جاهلیت می‌زیست سخن به میان آورده‌اند، دربارهٔ جامهٔ درونی کعبه مطلبی ننوشته‌اند.

آنان، گاه در دوران‌های اخیر، آنهم به صورت اشاره یا در وضعیت ویژه، از آن یاد کرده‌اند که مطالب و گفته‌هایشان بصورت ناپیوسته و جدا از هم است.

و این کم نوشتن از جامهٔ درون کعبه و پرداختن به جامهٔ بیرونی، بدان جهت است که پردهٔ بیرونی در هر سال تعویض می‌شود و گاهی در سال دو مرتبه و حتی سه مرتبه.

روشن است که جامهٔ برون کعبه در آن دوران از سویی به علت ضعیف بودن پارچه و نیز نازک بودن آن، دارای قدرت و استحکام بالایی نبوده و از سوی دیگر عوامل طبیعی، مانند آفتاب، باران، گرد و غبار و باد می‌توانست تأثیر زیادی بر روی این جامه‌ها داشته باشد. اضافه بر این‌ها، موقعیت قرار گرفتن کعبهٔ مشرفه در میان مسجد الحرام و در زیر آسمان، که هیچ‌گونه سایبانی نداشت، می‌توانست عامل دیگری برای فرسوده شدن جامه‌های روی آن باشد.

در حالی که عوامل یاد شده، به علت قرار گرفتن جامهٔ درونی در فضای داخل

آنان را در «برج القلعه» زندانی کنند. سپس در ربیع الثانی سال ۸۷۸ هجری به فرمان سلطان، نامبردگان از زندان رها گردیده و بعنوان حسن نیت آنان را به سوی «اوزون حسن» گسیل داشت.^{۱۳}

گفتنی است تأثیر وضعیت سیاسی جهان اسلام بر جامهٔ کعبه، تنها ویژهٔ دوران ممالیک نیست بلکه در دوران عثمانی هم، پس از قیام دولت سعودی نخستین و گسترش نفوذ سلفی‌ها بر حجاز و همچنین به هنگام حملهٔ فرانسویان به مصر جامه‌ای از مصر به مکه ارسال نگردید.

در دوران کنونی نیز دخالت‌های سیاسی موجب گردیده است که ارسال و قرار گرفتن جامه بر کعبه بیش از یک بار تأثیر بگذارد و این امر مهم و دینی به انجام نرسد.

شرایط و اوضاع سیاسی حاکم، تا بدانجا پیش رفت که در پایان، ارسال جامهٔ شریفه از مصر به‌طور کلی متوقف شد که در آینده دربارهٔ تمامی این دگرگونی‌های سیاسی و تأثیرات آن به‌طور مشروح سخن خواهیم گفت.

جامهٔ درونی کعبه مشرفه:

تاریخ نگاران هرگاه از جامهٔ



«سقف کعبه از درون بوسیله جامه‌ای از ابریشم رنگی آذین گردیده و ظاهر (یعنی برون) آن در پیرامون چهارگانه کعبه، با جامه‌ای از ابریشم سبز پوشیده شده است...»^{۱۴}

این مطلب نشان می‌دهد که در آن هنگام جامه درونی کعبه وجود داشته اما نمی‌دانیم که در چه زمانی این جامه در درون کعبه قرار داده شده است؟ شاید به وسیله «ناصر لدین‌الله عباسی» که به سال ۵۷۳ هجری خلافت را بدست گرفته، بوده است.

همچنین اشاره‌ای وجود دارد که: پرده‌ای که توسط ملک مظفر، پادشاه یمن در سال ۶۵۹ ه. بعد از سقوط دولت عباسیان بر کعبه پوشیده شد، بیش از یکصد سال همچنان باقی بود تا اینکه پس از آن، این جامه از سوی ملک ناصر حسن بن محمد بن قلاوون در سال ۷۶۱ هجری تغییر داده شد. این جامه نیز همچنان در درون کعبه باقی ماند تا اینکه در دوران سلطان «اشرف برسبای» و به فرمان او جامه پیشین درون کعبه برداشته شد و بوسیله جامه سرخ نوینی در سال ۸۲۶ هجری آذین گردید. لازم به تذکر است که نامبرده جامه برون کعبه را نیز تغییر داد و

کعبه، در آن نفوذ نداشت بنابراین، جامه درونی همواره می‌توانست به مدتی طولانی، بدون تغییر و فرسودگی در این مکان باقی بماند. آری، مجموع عوامل یاد شده، موجب می‌شد که جامه درونی کعبه را در فاصله‌های دور از هم، آنهم به مناسبت تغییر سلطنت و یا خلیفه از سوی شخص تازه به قدرت رسیده تغییر یابد.

گفتنی است که تغییر جامه درونی کعبه مشرفه دارای نظم ویژه‌ای نبوده است؛ زیرا آنچنانکه ملاحظه می‌کنیم ملک «صالح اسماعیل» برای بیرون کعبه در هر سال و نیز برای جامه حجره نبوی و منبر نبوی در هر پنج سال وقفی قرار داد و در آن از جامه درونی کعبه ذکری به میان نیامده است. بنابراین با مطالبی که بیان شد مشخص کردن سالی که پرده درونی کعبه برای اولین بار در آن سال ساخته شد، کاری است مشکل.

با تحقیق و نگرشی که در میان نوشته‌های تاریخ نگاران بعمل آوردیم، به نظر می‌رسد اولین بار در دوران دوم عباسی و دقیقاً در دوران ابن جبیر از جامه درونی کعبه سخن به میان آمده است. «ابن جبیر» در سفرنامه خویش، به سال ۵۷۹ هجری، چنین نگاشته است:

آن را به وسیلهٔ جامهٔ سیاه دیگری پوشانید. این دو جامه به وسیلهٔ کاروان مصری به فرماندهی «زینی عبدالباسط»^{۱۵} بازرس ارتش مصری به این دیار آورده شد.

جامهٔ درونی کعبه، اهدایی از سوی اشرف برسبای، تا سال ۸۴۸ هجری همچنان باقی بود تا اینکه پادشاه ایرانیان، شاهرخ میرزا، جامهٔ دیگری را جایگزین کرد.

این جامه همچنانکه در پیش گذشت پس از اجازه از سلطان ظاهر چقمق به مکه ارسال گردید که در آغاز به همراه جامهٔ اشرف برسبای درون کعبه قرار داده شد تا اینکه روزی به فرمان سلطان «ظاهر چقمق» دو جامهٔ یاد شده را برداشتند و جامهٔ نوینی در رمضان سال ۸۵۶ هجری جایگزین آن کردند.^{۱۶}

پادشاهان مصر در طول دوران ممالیک - از آغاز وقفی که از سوی ملک صالح اسماعیل قرار داده شد - همواره جامهٔ سیاهی را ویژهٔ برون کعبه، در هر سال ارسال می‌داشتند.

که در این میان هرگاه کرسی سلطنتی مصر تغییر می‌یافت، سلطان جدید به همراه جامهٔ برونی کعبه، جامه‌ای سرخ از آن درون کعبه و نیز جامهٔ دیگری به رنگ سبز را

برای حجرهٔ نبوی شریف ارسال می‌داشتند که در این باره در وقف یاد شده به صورت نص صریحی هر پنج سال یکبار یاد شده است.

بر روی سه جامهٔ یاد شده عبارت: «لا اله الا الله، محمد رسول الله» با آذین بندی خاصی، آنچنانکه یکی در قلب دیگری بوده، نقش بسته بود. در اطراف این نقش‌ها و نوشته‌ها آیات مناسب دیگری و یا نام یاران پیامبر ﷺ و گاه نیز به سلیقهٔ بافنده این حاشیه‌ها خالی قرار داده می‌شد.

لیکن در این میان ملک ناصر «ابو سعید خوشقدم» که در رمضان سال ۸۶۵ هجری بر کرسی سلطنت مصر تکیه زد، طبق معمول در آغاز سلطنت خود جامه‌ای ویژه برای درون کعبه فرستاد که رکن شرقی و رکن شامی جامهٔ یاد شده به رنگ سفید بوده که با قطعه‌هایی از پارچهٔ سیاه آذین می‌گردید و اضافه بر آن قطعه‌های آذین شده در سمت شرقی، با طلا تذهیب شده بود.^{۱۷}

و نیز در سال ۸۸۳ هجری سلطان اشرف قایتبای جامهٔ درونی کعبهٔ مشرفه را به مکه فرستاد.

این جامه ابتدا در مسجدالحرام گسترده شده و سپس به درون کعبه حمل



گفتنی است علاوه بر وقفی که سلطان سلیمان (عثمانی) ویژه تهبیه جامه برونی کعبه در هر سال و جامه درونی و جامه‌های دیگر - هر پانزده سال یکبار - قرار داد، پادشاهان آل عثمان نیز به هنگام تکیه بر اریکه سلطنت به صورت جداگانه، علاوه بر جامه‌هایی که هر پانزده سال به این دیار ارسال می‌گردید، خود جامه‌هایی را به عنوان تبرک، ویژه درون کعبه و حجره نبوی شریف ارسال می‌داشتند.

بدین صورت مصر تا سال ۱۱۱۸ هجری همچنان به ساختن دو جامه درونی و برونی کعبه اهتمام داشت. در این سال سلطان احمد سوم فرزند محمد چهارم وقتی در استانبول بر اریکه خلافت تکیه زد فرمان داد جامه درونی کعبه را در استانبول تهیه کردند و در سال بعد، آن را از راه مصر به مکه مکرمه ارسال نمود. از آن هنگام استانبول بافتن جامه درونی کعبه را به خود اختصاص داد.

پس از وی سلاطین عثمانی تا دوران سلطان عبدالعزیز، فرزند سلطان محمود دوم، همچنان نسبت به فرستادن جامه درونی کعبه اقدام کردند. در این هنگام بود که دولت عثمانی دیگر موفق به ارسال جامه درونی کعبه نشد. و جامه‌ای که از سوی

گردید و در جایگاه اصلی خویش قرار داده شد. این مراسم در حضور امیرالحاج مصری و شریف مکه و جمعی از اعیان و بزرگان و پرده داران و جز اینها صورت پذیرفت. به هنگام قرار دادن جامه درون کعبه، افرادی که ناگهان متوجه ریزش و خرابی دیوار کعبه و یا برخی از ستون‌های درون آن شدند، کار را متوقف کردند و پس از اصلاح و مرمت نواحی آسیب دیده، جامه یاد شده را در جایگاه اصلی خویش قرار دادند.^{۱۸}

اینجانب از آنچه که تاریخ نگاران در این دوره نگاشته‌اند، بدست آوردم که هیچیک از پادشاهان عثمانی پیش از سلطان سلیمان، جامه‌ای را در درون کعبه قرار نداده است؛ زیرا نامبرده متوجه شد که درآمد دهکده‌های وقف شده بر جامه کعبه از دوران ملک «صالح اسماعیل» کافی نیست و بدین جهت آنان قدرت تهیه جامه کعبه در هر سال را ندارند. بنابراین فرمان داد که هفت دهکده دیگر را به موقوفه پیشین بیافزایند و علاوه بر آن، بخشی از درآمدهای خصوصی خویش را نیز برای تهیه جامه درونی کعبه قرار داد و از آن پس هر پانزده سال یکبار جامه درونی کعبه تعویض می‌گردید.

در هند ارسال گردیده بود جایجا شد. سپس ملک «عبد العزیز» فرمان داد که جامه نوبنی را ویژه درون کعبه آماده نمایند که جامه یاد شده در سال ۱۳۶۳ هجری در درون کعبه قرار گرفت.

سلطان عبدالعزیز در هنگام به قدرت رسیدن خویش ۱۲۷۷ هجری درون کعبه قرار داده شده بود همچنان باقی ماند. ۱۹ تا اینکه ملک عبد العزیز آل سعود قدرت و سلطنت خویش را به حجاز گسترش داد.



این جامه همچنان در درون کعبه قرار داشت تا اینکه ملک خالد بن عبدالعزیز فرمان داد که جامه دیگری را برای آن مهیا

در این دوران و در سال ۱۳۵۵ هجری جامه درونی کعبه که از آن عثمانیان بود با جامه دیگری که از سوی پادشاه پره‌ای‌ها



اسماعیل) نسبت به جامه کعبه اقدام نکردند و جامه او هم بر روی کعبه قرار نگرفته بلکه جامه‌ای را در درون کعبه قرار داد که تا کنون نیز قرار دارد (فاسی متوفای سال ۸۳۲ هجری) به من گفته شد که ارتفاع آن بلندتر از جامه کنونی بوده تا آنجا که بر روی زمین می‌رسیده است. اما هم اکنون جامه یادشده تنها نیمی از بخش فوقانی کعبه و سقف آن را در بر گرفته است. این جامه از ابریشم سیاه بوده که بر روی آنها به استثنای بخشی از سقف، بوسیله یال‌هایی با تارهای طلایی آذین گردیده است. در بخش یاد شده که میان دو ستون درون کعبه و در امتداد در آن قرار دارد، پارچه‌ای از ابریشم سرخ دیده می‌شود که در میانه آن یال بزرگی مزین به طلا دیده می‌شود. سلطان حسن جامه یاد شده را در سال ۷۶۱ هجری ارسال کرده است»^{۲۱}

۲- قطب الدین حنفی در اشاره‌ای که به جامه درونی، که از سوی سلطان ناصر ابوسعید خوشقدم در رمضان سال ۸۶۵ هجری به هنگام آغاز سلطنتش ارسال گردید، دارد چنین می‌نویسد:

«در سمت شرقی و شامی آن دارای یال‌های سیاهی بوده که یال‌های قرار

سازند که این جامه در کارگاه تازه خود در «ام‌الجود» واقع در مکه مکرمه ساخته شد و در سال ۱۴۰۳ هجری در جایگاه خویش در درون کعبه قرار گرفت.

در دوران ملک فهد بن عبدالعزیز و به فرمان وی بافندگی جامه دیگری ویژه درون کعبه، برای احتیاط، در کارگاه یاد شده آغاز شد که هم اکنون (۱۴۰۴ ه.م) عملیات بافت آن ادامه دارد.^{۲۰}

اما درباره آذین و آرایش جامه درونی کعبه با طلا، باید بگویم در هیچیک از نوشته‌های تاریخ‌نگاران اشاره و یادداشتی درباره آذین جامه کعبه با تارهای طلا، بجز دو مورد زیر، به مطلبی برخورد نکردم:

فاسی درباره جامه درونی، که توسط سلطان «ناصر حسن» در سال ۷۶۱ هجری بر درون کعبه قرار داده شد مطلبی دارد - و پس از آنکه درباره محل وقفی که سلطان صالح اسماعیل برای تهیه جامه برونی کعبه در هر سال و جامه حجره نبوی و منبر نبوی در هر پنج سال سخن گفته و از آن هنگام جامه کعبه همواره از راه درآمد وقف یاد شده از سوی مصر ارسال می‌گردید - می‌گوید:

«پس از آن هیچیک از پادشاهان بجز برادرش ملک ناصر حسن (برادر صالح

گرفته به سمت شرقی با تارهای طلا
آذین شده بود.»^{۲۲}

بنابراین، از مجموع مطالب پیشین
چنین بر می آید که جامهٔ درونی کعبهٔ مشرفه
برای نخستین بار در دوران عباسی دوم
بافته شده است، گرچه نمی توان سالی را که
برای نخستین بار این جامه در آن ساخته
شد، معین کرد. همچنانکه نام خلیفه‌ای را
که برای اولین بار فرمان بافتن آن را داده
است نیز نمی توان یاد نمود.

همچنین برای ما روشن می شود که
جامهٔ درونی کعبه (مانند جامهٔ برونی آن) در
ورود و پوشش بر کعبه مشرفه، دارای نظم
ویژه‌ای نبوده بلکه بصورت نادر، به هنگام
فرسودگی آن در درون کعبه تجدید
می گردیده است، و یا به هنگام ارادهٔ یکی از
پادشاهان و یا سلاطین، جامه را با جامهٔ
نوین دیگری جایگزین می کرده‌اند. و نیز
پس از آنکه سلطان سلیمان بدین منظور
وقفی را تعیین نمود، و هر پانزده سال یکبار
جامهٔ درونی تغییر می یافت و باز هر یک از
سلاطین آل عثمان به هنگام تکیه بر اریکهٔ
خلافت، خود را موظف به تغییر جامهٔ
درونی کعبه می دانستند.

و همانگونه که گفتیم جامهٔ درونی
کعبه در این دوران نیز نظم نداشته است.

و این به عکس جامهٔ برونی کعبه بود
که همواره به صورت مرتب و منظم در هر
سال به سوی کعبه مشرفه ارسال می گردید.
لیکن باید گفت که تنها در زمان‌های نادری
مانند بروز جنگ و فتنه، در ارسال آن خلل
وارد می شد و بر آن تأثیر می گذارد.

و نیز از مجموع سخن‌های یاد شده
چنین بر می آید که در آذین جامهٔ درونی
کعبه به تارهای طلا یا نقره، به اندازهٔ دقت
در کیفیت و نوع ابریشم آن اهمیت داده
نمی شد و نیز به رنگ آن، آن اندازه بها
نمی دادند، زیرا در نوشتهٔ تاریخ نگاران آمده
است که بجز دو مورد، آن هم در دورهٔ
ممالیک، که عبارت بودند از: ۱- جامهٔ
سلطان ناصر حسن فرزند ملک ناصر
محمد بن قلاوون به سال ۷۶۱ هجری ۲ -
جامهٔ سلطان ناصر ابوسعید خوشقدم در
سال ۸۶۵ هجری.

آری جامهٔ یاد شده در پیش از آنان و
یا پس از آنان به تارهای طلا آذین نگردیده
است.

پرده «باب التوبه»

در تاریخ هیچگونه اشاره‌ای به پردهٔ
در بام بیت الله الحرام، که در درون کعبهٔ
مشرفه و معروف به باب التوبه است، نشده



زیرا ائتلاف سیاسی میان دو دولت مصر و سعودی موجب شده بود که دو سال پیش از آن؛ یعنی در سال ۱۳۸۱ هجری، دولت سعودی از پیاده شدن جامه کعبه در جده جلوگیری بعمل آورد.

و تنها در عصر جدید و در آغاز قرن چهاردهم هجری از آن یاد کرده‌اند. این پرده را کشور مصر همه ساله به همراه جامه برونی کعبه به این دیار می‌فرستاد تا اینکه در سال ۱۳۸۲ هجری ۲۳ آن را متوقف کرد؛

پانوشته‌ها:

۱- در بخش نخست نوشتار جامه کعبه که در شماره ۲۵ فصلنامه میقات به چاپ رسیده است هنگام سخن از جامه کعبه معظمه در دوران پیامبر ﷺ و خلفا (ابوبکر، عمر و عثمان) نویسنده آورده است که [حضرت] علی بن ابی طالب رضی الله عنه را هیچیک از مورخان یاد نکرده‌اند که جامه‌ای را بر کعبه قرار داده باشد. آنان علت این مطلب را درگیری آن حضرت در جنگها و فتنه‌های داخلی که دولت اسلامی را پس از قتل عثمان گرفتار نمود، دانسته‌اند.

لیکن پس از ترجمه متن فوق و چاپ آن در میقات شماره ۲۵، تذکری از آقای علی دوانی در این باره به دفتر فصلنامه رسید. که آن را برای شما خوانندگان در این قسمت می‌آورم: «ازرقی مورخ مکه گفته است: [هیچیک از مورخان یاد نکرده‌اند که [حضرت] امیر المؤمنین رضی الله عنه جامه‌ای به کعبه پوشانده باشد] در حالیکه در روایات پیروان اهل بیت رضی الله عنهم عکس آن است. در کتاب نفیس و معتبر «قرب الاسناد» تألیف محدث ثقه بزرگوار عبدالله بن جعفر حمیری از دانشمندان بزرگ مادر اواخر سده سوم هجری و زنده در سنه ۳۰۰ هجری به سند خود از امام جعفر صادق و آن حضرت از پدرش امام محمد باقر رضی الله عنه روایت کرده است که فرمود: [علی رضی الله عنه پرده کعبه را همه ساله از عراق می‌فرستاد].

با سپاس از تذکر ایشان.

«مترجم»

۲- ابن الوردی (زین الدین عمر بن الوردی): تتمه المختصر فی أخبار البشر، (تاریخ ابن الوردی) تحقیق احمد رفعت بدرآوی، دار المعرفه، بیروت، لبنان چاپ ۱۳۸۹ هـ / ۱۹۷۰ م.

ج ۲، ص ۳۱۴ و ص ۳۲۲

۳- ابن بطوطه در سال ۷۰۳ هجری در شهر طنجه از سرزمین مراکش تولد یافت و در سال ۷۲۵ هجری زادگاه خود را به قصد زیارت مکه ترک گفت. پس از ادای فریضه حج، به سفرش ادامه داد و به سرزمینها و بلاد یمن، عراق، ایران، آسیای صغیر و ماوراءالنهر رفت و سپس به هندوستان سفر کرد. نامبرده چندین

سال در دهلی پایتخت آن کشور به کار قضا پرداخت و سرانجام پس از مسافرتی به کشور چین به وطن خود بازگشت و سفری به آفریقای مرکزی رفته و در بازگشت، خاطرات مسافرت خود را به «ابن جزی» که دبیر دربار سلطان «ابو عنان» پادشاه مراکش بود، املا کرد. ابن جزی کتاب «رحله» را از یاداشتهای ابن بطوطه فراهم آورد.

ابن بطوطه اواخر زندگی را در یکی از شهرهای مراکش به شغل قضا اشتغال داشت و در سال ۷۹۹ هجری درگذشت.

سفرنامه ابن بطوطه، جلد اول، ترجمه دکتر محمد علی موحد، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

«مترجم»

۴- مائده: (و جعل الله الكعبة البيت الحرام قیاما للناس و الشهر الحرام و الهدی و القلائد ذلك لتعلموا ان الله يعلم ما فی السموات و ما فی الارض و ان الله بكل شیء علیم).

۵- نک: ابن بطوطه، تحفة النظار فی غرائب الأمصار و عجائب الأسفار، بولاق ۱۹۳۷ م. ج ۱، ص ۱۳۱.

یوسف احمد: المحمل و الحج، ج ۱، ص ۲۴۴

۶- در این زمان به آن «باسوس» می‌گویند.

۷- ابن ایاس (محمد بن احمد): بدائع الزهور فی وقائع الدهور، تحقیق محمد مصطفی، چاپ دوم، هیئة

المصرية العامة للكتاب، قاهره، ۱۹۸۲ هـ. ۴۰۲. م. بخش اول، ج ۱، ص ۵۰۵

فاسی: شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۲۳ و ۱۲۴

ابن ظهیر: جامع اللطیف، ص ۱۰۷ و ۱۰۸

۸- الاعلام، ص ۷۰

۹- ابراهیم رفعت، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۸۴

۱۰- نک: ابن ایاس: بدائع الزهور، ج ۵، ص ۱۱۵

۱۱- ابن ایاس، بدائع الزهور، ج ۱، ق ۱، ص ۵۳۸ و ص ۵۳۷

۱۲- ابن ایاس، بدائع الزهور ج ۲، ص ۲۲۴، ص ۲۲۵، ص ۲۹۶

ابن ظهیر، جامع اللطیف، ص ۱۰۶

۱۳- ابن ایاس، بدائع الزهور، ج ۳، ص ۸۸ و ۹۰ و ۹۱

۱۴- ابن جبیر، الرحله، از انتشارات دار و مکتبه الهلال، بیروت، ۱۹۸۱ م. ص ۵۴

۱۵- فاسی: العقد الثمین، ج ۱، ص ۵۹

زینی عبدالباسط بازرس و ناظر بر اوقاف جامعه کعبه مشرفه در مصر بود، و سعی و کوشش فراوانی در این اوقاف نمود تا آنجا که مظهر خیرات و برکات بی شمار گردید. او به هنگام رفتن برای شرکت در موسم حج، به فقرا و نیازمندان از حاجیان توجه ویژه‌ای داشت و همواره در میان راه سایبان‌هایی را در توقفگاه‌های حاجیان به وجود می‌آورد تا اینکه آنان بتوانند لحظاتی دور از تابش و گرمای خورشید به



استراحت بپردازند. همچنین گاه برخی از بیماران و ناتوانان از حاجیان را بر روی کجاوه‌هایی که برای آنان در نظر گرفته بود، سوار می‌کرد.

در میان راه به وسیله آب گوارا و نان و گرده از آنان پذیرایی می‌کرد و با قربانی کردن گوسفندان در راه میان مصر و مکه و در هنگام اقامت خود در هر منطقه و نیز در راه بازگشت، از حاجیان پذیرائی شایانی بعمل می‌آورد.

نامبرده راه‌های فراوانی را در این مسیر اصلاح نمود که همواره نام او زنده و پاینده خواهد بود.

نک: قطب الدین حنفی، الاعلام، ص ۹۸

۱) فاسی: العقد الثمین، ج ۱، ص ۱۵۹ (فاسی: العقد الثمین، ج ۱، ص ۱۵۹) فاسی: العقد الثمین، ج ۱،

ص ۱۵۹) فاسی: العقد الثمین، ج ۱، ص ۵۹

۱۶ - ابن ایاس، بدائع الزهور... ج ۲، ص ۲۴۴، ص ۲۴۵ و ص ۲۹۶

۱۷ - قطب الدین حنفی، الاعلام، ص ۷۰ و ۱۰۲

۱۸ - حسین عبدالله باسلامه، تاریخ الكعبة المعظمة، ص ۲۶۵ و ص ۲۶۶

۱۹ - ازرقی: اخبار مکه ج ۱ حاشیه ص ۲۵۸

۲۰ - جامه یاد شده در رجب سال ۱۴۱۷ هجری، پس از ترمیم و تغییر کعبه از برون و درون بوسیله ملک فهد بن عبدالعیز در درون کعبه آویخته شد. برای این جامه، بر خلاف جامه‌های پیشین که به رنگ سرخ بودند، رنگ سبز را اختیار کردند وی از زیبایی ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. برای اطلاع بیشتر به فصلنامه «میقات حج» شماره ۱۸ ص ۱۸۶ تا ۱۹۹ درون کعبه در دو دیدار مراجعه نمایید. (مترجم)

۲۱ - فاسی، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۲۳ و ۱۲۴

۲۲ - قطب الدین حنفی، الاعلام... ص ۱۰۲

۲۳ - نظر افکنید به شهادت نامه‌های شرعی تسلیم جامه کعبه مشرفه در سالهای ۱۳۲۱، ۱۳۲۲ و ۱۳۸۰

هجری که در پایان این بخش به چاپ رسیده است.